Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Vol. 1, No. 3, autumn 2025

Online ISSN: 3060-7515
https://jispll.urmia.ac.ir/

Methodology for Editing Mohammad Ali Foroughi's Text (Based on His Lifestyle and Personal Writings)

Niloofarsadat Abdollahi[1] and Effat Neghabi[2]

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran./ Postdoctoral Researcher
2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran/ Associate Professor

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Received:
2024/09/27
Accepted:
2025/01/16
pp:
29- 43

Keywords:
Text correction method: Persian literary texts; Mohammad Ali Foroughi; secondary sources; Western tradition of text correction.

ABSTRACT

Mohammad Ali Foroughi is recognized as one of the prominent figures in both politics and literature in contemporary research. Foroughi was a multifaceted personality who, despite holding important political and state positions, was also involved in brilliant literary and cultural activities and is considered an influential figure in shaping a new perspective on literature. Zoka al-Molk is one of the pioneers in the modernization of humanities research. He is one of the pioneers in combining the traditional and modern views of ancient literary texts and is mentioned alongside figures such as Seyyed Hasan Taghizadeh, Mohammad Qazvini, and Habib Yaghmai. Text correction can be mentioned among the areas that Foroughi associated with innovation. Although Foroughi employs the ancient method in compiling and correcting texts, his approach differs from that which can be referred to as innovation. Today, these innovations are utilized by proofreaders in a new and scientifically critical way of proofreading Persian texts. Foroughi's efforts in the correction field have been so intertwined with his life that they can be considered an important pillar of his lifestyle. In this article, we have analyzed Foroughi's theoretical and practical legacy in text correction and its application for text correctors from an analytical and critical perspective, citing examples from his memoirs, letters, and notes.

Citation abdollahi, N., & neghabi, E. (2025). Text correction methodology of Mohammad Ali Foroughi (based on his lifestyle and personal writings). Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature, 1(3), 29-43.

© The Author(s).

Publisher: Urmia Univertsity.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2025.55603.1006

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.3.3.2

[1] **Corresponding author: Niloofarsadat Abdollahi**, **Email:** Niloofar_farhan@yahoo.com, **Tell:** +98 09195383525

نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی

دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

شاپا الکترونیکی: ۷۵۱۵-۳۰۶۰

https://jispll.urmia.ac.ir/

روش‌شناسی تصحیح متن محمدعلی فروغی
(با تکیه بر سبک زندگی و نگاشته‌های شخصی او)

نیلوفرسادات عبداللهی [۱]، عفت نقابی [۳]

۱- پژوهشگر پسادکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

دریافت:
۱۴۰۳/۰۷/۰۶

پذیرش:
۱۴۰۳/۱۰/۲۷

صص:
۴۳-۲۹

واژگان کلیدی:
خسرو و شیرین، نظامی گنجه‌ای، ادبیات پهلوی، شاهنامه، ویس و رامین.

چکیده

خسرو و شیرین، سرودهٔ نظامی‌گنجه‌ای، از مشهورترین و تأثیرگذارترین داستان‌های ادبیات غنایی فارسی است. با وجود شهرت فراوان، مآخذ این منظومه مبهم است. هدف در این پژوهش، شناخت و معرفی مآخذ نظامی، در نظم منظومهٔ خسرو و شیرین است. در این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی، ابتدا نظر نظامی دربارهٔ حقیقت داستان بیان شده‌است و با توجه به متون و شواهد تاریخی موجود و تحلیل نظرات ارائه شده، آن‌چه دربارهٔ منابع و مآخذ نظامی در سرودن خسرو و شیرین یافته شد، مورد تحلیل قرار گرفته و نتیجهٔ نهایی، با توجه به وزن، قالب و سابقهٔ منظومه در ادبیات پهلوی، اعلام شده‌است. دربارهٔ مآخذ داستان خسرو و شیرین، محقّقان دو نظر را دنبال کرده‌اند. گروهی آن را تقلیدی از خسرو و شیرین مذکور در شاهنامهٔ فردوسی و دیگران، تقلیدی از ویس و رامین دانسته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که این داستان، دارای اصلی پهلوی بوده و توسط اشکانیان بازمانده در دوران ساسانی، ایجاد شده‌است که در منطقهٔ اران و بَردِع، بر سر زبان‌ها بوده و نظامی، تنها روایت رایج در بردع را به نظم درآورده‌است.

استناد: عبدالهی, نیلوفرسادات و نقابی, عفت. (۱۴۰۴). روش‌شناسی تصحیح متن محمدعلی فروغی (با تکیه بر سبک زندگی و نگاشته‌های شخصی او). مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، ۱(۳)، ۲۹-۴۳.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه ارومیه.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2025.55603.1006

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.3.3.2

[۱] **نویسنده مسئول:** عبدالهی، **پست الکترونیکی:** Niloofar_farhan@yahoo.com ، **تلفن:** ۰۹۱۹۵۳۸۳۵۲۵

این مقاله در شمار مقالات مستخرج از طرح پژوهشی پسادکتری زبان و ادبیات فارسی با حمایت بنیاد ملی نخبگان است.

نگارندگان این مقاله، مراتب تشکر و قدردانی خود را از حمایت‌های مادی و معنوی بنیاد ملی نخبگان، تقدیم می‌دارند.

۱– مقدمه

انتشار متون ادبی کهن و قراردادن آنها در اختیار مردم از قرون ابتدایی اسلامی با نسخه‌برداری و نگارش تک‌نسخه از این آثار صورت می‌گرفته است. در دوره‌های پس از آن و با ورود صنعت چاپ به کشورهای اسلامی و مدتی بعد به ایران، شیوهٔ انتشار آثار، دستخوش تحول شد و ادب‌پژوهان در فرآیند نشر آثار ادبی، ابتدا به مدون کردن و پس از آن ارائه این کتاب‌ها به مخاطبان پرداختند. دانش تصحیح و تحقیق متون با در دسترس قرار گرفتن نسخه‌های مختلف از آثار، لزوم انتخاب اصحّ در میانِ ضبط‌ها و رواجِ بهره‌گیری از سبک‌شناسی و دانش‌های وابسته به آن در راستایِ انتخاب ضبط برتر رونق گرفت.

از آن دوران تاکنون، پژوهندگان متون ادبی، برای تصحیحِ آثار، سعی در بهره بردن از نسخه‌های مختلف یک اثر داشته‌اند. با مرور زمان و تحقیق بیشتر در متون، فنونی برای تحلیل و گزینش صورت صحیح‌تر و نزدیکتر به اثر مؤلف به دست آمد. این روش‌ها تا پیش از دورهٔ معاصر و ارتباط ایران با جوامع اروپایی، به شیوهٔ سنتی و با اتکا بر قیاس و شمّ زبانی– ادبی مصحح صورت می‌گرفته است.

آثار ادبی فارسی که در دوران معاصر، فروغی تصحیح آنها را برعهده داشته از جمله نمونه‌های میانهٔ تصحیح سنتی و مدرن هستند. فروغی به واسطهٔ دوستی و همنشینی با مستشرقان اروپایی از ایشان شیوه‌هایی را فراگرفته و در تصحیح متن به کار برده است. همچنین مطالعهٔ آثار ادب‌پژوهان نسل قبل، مکاتبات و مراودات علمی با متن‌پژوهانِ ایرانی، ساکن اروپا –همچون محمد قزوینی– ذهن و زبان او را در عین توجه به سنت تصحیح متن در میان اروپاییان ، با تصحیح سنتی پیوند داده است.

۱- ۱- پیشینهٔ تحقیق

هرچند آثار فروغی در حوزهٔ تصحیح متن به ویژه *کلیات سعدی* و *رباعیات خیام* از شهرت بسزایی برخوردارند، منابعی که نگاه او به مقولهٔ تصحیح متن را تحلیل کند، اندک‌شمار هستند. از سویی این آثار صرفاً بر مقدمات نگاشته‌شدهٔ فروغی بر متون تصحیح‌شده و قیاس تصحیح فروغی با تصحیح‌های دیگران تکیه کرده است. از جملهٔ این آثار مقالهٔ «کاری نیمه‌تمام از مردی تمام (غزل‌های سعدی، تصحیح [بدون] توضیح دکتر غلامحسین یوسفی)» (ر.ک. حسن‌لی، ۱۳۸۸) است که در *ارجنامهٔ غلامحسین یوسفی* منتشر شده و به قیاس تصحیح فروغی با یوسفی در آثار سعدی پرداخته است. این اثر با رویکردِ نو و جامع بودن تصحیح یوسفی نگاشته شده و گزینش‌های فروغی را بیشتر بر پایهٔ ذوق مصحح و قیاس می‌شمارد تا اتکا بر نسخه‌ها. همچنین مخاطب اثر را عوام جامعه می‌داند و از این روی بخشی از اشعار سعدی را از این اثر حذف شده می‌پندارد.

فروغی در مقدمهٔ کتاب‌های تصحیحی خود، درباره اهمیت متون و لزوم تصحیح دقیق آنها به نکاتی اشاره می‌کند. علاوه بر این آثار –که ارزش بسزایی در معرفی روش او دارند– کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر انتشار یافته و مشتمل بر یادداشت‌ها، خاطرات و نامه‌های فروغی است، اطلاعات مفیدی را در این خصوص به مخاطبان ارائه می‌دهند. این کتاب‌ها علی‌رغم اشتمال بر اطلاعات ارزنده در شناخت فروغی، هنوز مورد بررسی کامل محققان قرار نگرفته‌اند. این کتاب‌ها دربردارندهٔ نگاشته‌های شخصی فروغی بوده و نمایانگر وجوه مختلف سبک زندگی اوست. به این سبب، نوشتارِ پیش‌رو با توجه به جزئیات سبک زندگی ذکاءالملک، به نکات مرتبط با تصحیح متن در این مکتوبات می‌پردازد.

۱- ۲- پرسش و روش پژوهش

در ابتدای این پژوهش این پرسش‌های محوری مطرح بوده است:

–روش فروغی در تصحیح متن، به منزلهٔ سنّت برجای مانده از او، بر پایهٔ چه نکات و شامل چه مواردی است؟

–آیا این نکات تنها منحصر به زمان و امکانات دورهٔ فروغی بوده یا می‌تواند مورد استفاده مصححان پس از او قراربگیرد؟

در این پژوهش با هدف معرفی و نقد، به روش فروغی و جزئیاتی که او در تصحیح متن مدنظر داشته، پرداختیم. این نکات به منزلهٔ جزئی از سبک زندگی او که لابلای خاطرات، نامه‌ها و یادداشت‌هایش جای گرفته، بررسی شده است. همچنین ذیل هر یک از نکات، برای درک آسانترِ موضوع، از نمونه‌هایی یاد و جایگاه آن نکته در روند تصحیح متن ذکر شده است.

۲– بحث و یافته‌های تحقیق

۲- ۱- محمدعلی فروغی و دانش ادبیات

محمدعلی فروغی هرچند در میان چهره‌های معاصر بیشتر به عنوان سیاستمدار مشهور است، در زمینهٔ دیگر علوم انسانی همچون ادبیات، شهرت و اهمیتی همپای حوزهٔ سیاست‌ورزی دارد، به‌گونه‌ای که این شخصیت را می‌توان سیاستمدار ادیب خواند. زیرا نه‌تنها شخصیتی سیاسی و صاحب منصب، بلکه در نگاه پژوهشگران و حتی مردم جامعه، به عنوان فردی آگاه از دانش‌هایی همچون حقوق، فلسفه، ادبیات، اقتصاد و علوم وابسته به آن‌ها شناخته می‌شود.

فروغی بسیاری از این علوم را در نگاه مدرن و منطبق با دانش جهانی جدید به ایران وارد کرد و ظرایف آنها را در قالب کتاب‌های ترجمه‌ای ارائه داد. در حوزه‌هایی همچون علوم سیاسی و ارتباطات بین‌الملل به واسطهٔ کثرت ارتباط با همتایان سیاسی خود از کشورهای مختلف دنیا، با علوم مرتبط با سیاست و ارتباطات بین‌المللی آشنا شد. در حوزهٔ حقوق و روابط بین‌الملل، کتاب جدیدی را ترجمه و دانش حقوق در ایران را که پیش از آن، صرفاً برپایهٔ فقه اسلامی تدوین شده بود، با مفهوم مدرنِ حقوق مواجه کرد. این کتاب حقوق اساسی، آداب مشروطیت دُوَل، نام دارد و نخستین کتاب دربارهٔ حقوق اساسی ملت‌ها درتاریخ حقوق ایران است.

در حوزهٔ رشتهٔ اقتصاد، در قالب ترجمهٔ کتابی با عنوانِ اصولِ ثروت ملل یعنی اکونومی پلیتیک، آگاهی‌های جدیدی بر پایهٔ ارتباط سیاست و اقتصاد در کشورهای مختلف، از کشورهای خارجی اقتباس و به ایران وارد کرد. فروغی این کتاب را ترجمه و تألیف کرده و در ورود آن به ایران، تناسب محتوای اثر با جامعه و فرهنگ ایرانی را مدنظر داشته است.

در زمینهٔ دانش‌های ادبی، هرچند آگاهی فروغی بر پایهٔ دانش سنتی ادبیات بوده، از دانش روز و مدرن دنیا جدا نبوده است. ارتباط فروغی با مستشرقان غیرفارسی‌زبان –همچون ادوارد براون– و مکاتبات مداوم با پژوهشگران ایرانی خارج از کشور –همچون محمد قزوینی– موجب آشنایی او با روش پژوهش در متون ادبی در خارج از ایران و در قالب زبان‌های اروپایی، شد. هرچند این ارتباطات علمی، هرگز روش او را با غرب‌زدگی و اتکای تام بر دانش غیرایرانیان گره نزد. روش فروغی را می‌توان ترکیبی معتدل از دو شیوه کهن و مدرن به حساب آورد.

۲- ۲- نکات اثرگذار بر تصحیح از نگاه فروغی

آنچنان که از محتوای خاطرات، یادداشت‌ها و نامه‌های فروغی برمی‌آید، این شخصیت سیاسی– ادبی برخی نکات را در فرآیند تصحیح متون، مهم تلقی می‌کند. مجموعهٔ این نکات، شیوهٔ تصحیح فروغی را نمایان می‌گرداند. این موارد خود از موقعیت‌ها و رخدادهایی در زندگانی او نشأت می‌گیرد که در قالب چند بخش اصلی، قرار گرفته و هر یک از این بخش‌ها هم در چند مورد فرعی قابل بررسی است. این موقعیت‌ها گاه با تلاشِ فروغی فراهم می‌شده و گاه او از موقعیت‌های پیش‌آمده برای کسب دانش ادبی بهره می‌برده و به تعبیری، در هر رخدادِ زندگی در جستجوی نکات علمی بوده است.

۲- ۲-۱ مسائل تاریخی و وابسته به متن

۲- ۲-۱-۱ توجه به امهات متون ادبی

به‌طورکلی در نگاه فروغی، توجه به متون کهن ادبی به واسطهٔ ارزش ادبی و فرهنگی آنها بسیار حائز اهمیت است. عنایت به این متون، همچنین اشاعهٔ آن‌ها در میانِ نسل جوان و گنجاندن گزیده‌هایی از این آثار در کتاب‌های درسی از تلاش‌های فرهنگی مهم

فروغی به‌شمار می‌رود. علاوه بر ارائهٔ متون ادبی برای مردم جامعه و جوانان، تصحیح این آثار برای مطالعهٔ پژوهشگران هم مدنظر فروغی بوده است.

متون مهم ادبی به‌سبب تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر نگاشته‌های پس‌از خود، شایسته توجه هستند و لازم است برای حفظ شأن و ارزش ادبی، در نزدیکترین صورت به اثر اصلی، به نسل‌های بعدی منتقل شوند. در واقع، ارزش و اهمیت متون ادبی در انتقال بهینه و هدفمند آن‌ها به نسل‌های بعدی نهفته است. دستیابی به این نکته در گرو تصحیح دقیق و انتقادی متون است. درصورتی‌که تصحیح متون کهن به دقت و با استفاده از فنون تصحیح علمی صورت نگیرد، انتقال بهینهٔ فرهنگ و ادبیات به نسل‌های بعد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

در احوالات فروغی می‌توان نشانه‌هایی از قائل شدن ارزش ویژه برای آثار کهن ادبی- فرهنگی را دریافت. او که در مکاتبات و دیدارهای خود همواره به کتاب‌ها توجه داشته، آگاهی از آنها را امری بایسته می‌شمارده است.

فروغی گاه در جستجوی کتاب‌ها به نمونه‌های نادر و مهمی برمی‌خورده و برای به دست آوردن آنها تلاش می‌کرده:

«غروب رفتم حجرهٔ آقا شیخ حسن. گفتگوی لاتارگذاشتن کتاب لغت بشرل که در حجره دارم، شد. میرزا صادق خان مصمم شد این کار را انجام دهد مبلغ پانزده تومان سی اسم» (فروغی، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

محمدحسین فروغی، پدر محمدعلی، که در نوشته‌های ذکاءالملک با عنوان «آقا» از او یاد می‌شود هم از صاحب‌نظرانی است که ذکاءالملک دربارهٔ مسائل ادبی و کتابشناسی از او نقل قول می‌کند. میزانِ دانش و آگاهی ادبیِ پدر فروغی در حدی بوده که در مباحثات ادبی متعددی شرکت داشته و نظرش برای ادبا ارزشمند تلقی می‌شده:

«میرزا علی اکبر خان از آقا پرسید: تقلید در انشاء چطور است؟ جواب دادند: اگر شخص مبتدی باشد، البته باید تقلید کند تا فنّ را بیاموزد. اما پس از آن که آموخت، تقلید رکیک است.یعنی شخص باید از خود سبکی داشته باشد. منتها این که در میان سبک‌ها البته هرکسی به سبکی مایل است و تشبّه به او می‌جوید، نه این که تقلید صرف کند. چنانکه در در این اواخر، شعرای ما غالباً اصالت نداشته و آنچه گفته‌اند، یعنی چیزهایی بوده که متقدمین گفته‌اند، چنانکه در جشن قرن ناصرالدین شاه، سام میرزای ملک‌الشعرا، قصیده‌ای در مدح شاه گفته بود، مثل قصیده‌ای که عنصری باید در مدح سلطان محمود بگوید که شمشیر تو زلزله در هندوستان می‌اندازد و فلان و فلان، نه قصیده‌ای که دربارهٔ پادشاهی بگویند که اگر از مملکت خود خارج شده، به مهمانی [رفته] بوده است» (همان: ۲۱۴).

«آقا گفتند: عیبی ندارد و مثل باباطاهر کسی معذور است. آخوند به خیالش، آقا، باباطاهر را مرد عامی فرض کرده‌اند. گفت: مرد فصیح که حکیم بود، نباید غلط بگوید. آقا گفتند: حال و طبیعت درین موارد، مقدم بر قانون است و گاهی اختیار از دست خارج می‌شود. باری آخوند را نتوانستند بفهمانند که قانون قافیه چیزی است وضعی و عهدی. طبیعت صحیح هرچه بگوید اگرچه مخالف قانون باشد، معذور است. چنانکه این رباعی کمال‌الدین اسماعیل هم که می‌گویند به همان رباعی او را خلاق المعانی لقب داده‌اند، همین عیب را دارد» (همان: ۲۸۲)

«گویند وقتی کمال الدین یک رباعی گفته بود که مصرع اولش این بود: ای موی تو همچو مشک و روی تو چو خون، رباعی را در مجلس خواست بخواند، اشتباهاً گفت: ای روی تو همچو مشک و موی تو چو خون. حضّار خندیدند. کمال الدین دید بد شد، فوراً گفت:

[همان مصرع]..... می‌گویم و می‌آیمش از عهده برون
مشک است ولی نرفته در نافه هنوز خون است ولی نامده از نافه برون

این رباعی هم قافیه‌اش مکرّر است و حال آنکه از کمال الدین، غلط قافیه کمتر معذور است تا باباطاهر که مقصودش فقط شعر و صنعت شعری نبوده است» (همان: ۲۸۲)

توجه فروغی به امهات متون ادبی در کنار محاسنی که در پی تصحیح متون و در اختیار مخاطبان قرار گرفتن دارد، گاه فروغی را بیش از حدّ معمول به کهن‌گرایی واداشته و توجه او در زمینهٔ ادبیات را منحصر به متون کهن ساخته و از ادبیات معاصر دور کرده است. به این سبب آثار ادبی او بیشتر مرتبط با ادب کهن است.

۲-۲-۱-۲ گزینش نسخ اصیل

می‌توان گام نخستین تصحیح را –پس‌از انتخاب یک اثر ادبی– گزینش نسخه‌های اصلی و اصیل قلمداد کرد. انتخاب نسخه‌های ارزشمند –پس‌از تحلیل و بررسی آنها– علاوه بر تقدّم در اقدامات مربوط به تصحیح متن، می‌تواند یکی از مهم‌ترین گام‌ها در آغاز این روند به شمار برود. در برخی آثار که قدمت، اهمیت و شهرت بیشتری داشته‌اند، تعداد نسخه‌ها بیشتر است و گزینش نسخه‌های اصیل‌تر، وابسته به برخی ملاحظات و شناخت مادرنسخه‌ها که در جایگاه نسخه‌های اصلی هستند، همچنین توجه به دستنویس‌های فرعی است. داشتن شناخت نسبت به عوامل برتری نسخه‌ها و یافتن نمونه‌های مهم و کاربردی آن‌ها، منجر به انتخاب نسخه‌های دقیق‌تر و ارزشمندتر می‌شود. گاه مصححان، سال‌ها به دنبال نسخه‌های شاخص از اثر موردنظرشان در کتابخانه‌ها به جستجو می‌پردازند و از دانشمندان نسخه‌شناس درخواست می‌کنند در صورت یافتن نسخه‌های کهن و ارزنده، آنها را مطلع کنند.

این امر هم از نکاتی است که فروغی پیوسته به آن توجه داشته و این عامل، موجب اصالت متن مصحَّح می‌گردد. لازم به ذکر است: از آنجا که بخشی از فعالیت‌های فروغی در زمینهٔ جستجوی نسخه‌ها و جویاشدن نکات علمی از دوستانش در قالب مکاتبات صورت می‌گرفته، بخشی از این نکات از نامه‌ها نقل می‌شود. یکی از چهره‌های دانشمندی که فروغی در این زمینه از کمک‌های او بهره می‌برد، محمد قزوینی است. قزوینی در بیشتر نامه‌هایی که خطاب به فروغی می‌نویسد، پاسخ پرسش‌های مرتبط با متون ادبی که در نامه‌های قبلی مطرح شده را می‌نگارد.

«بعد از آمدن به پاریس اگر دیدم ماندن در پاریس خیلی مشکل است و هوا تاریک است، در عرض دو سه ماه جلد ثالث جهانگشای را با کمال جدّ و جهد، استنساخ کرده با شش– هفت نسخهٔ دیگر مقابله کرده، آن‌وقت به جای اینکه به ایران برگردم، کتاب‌هایم را از پاریس برداشته، برگردم به برلین و کار طبع و تصحیح جلد ثالث جهانگشای را اینجا به اتمام برسانم و به ایران برگردم» (قزوینی، ۱۴۰۰: ۵۹).

اشعار دیوان پدر فروغی به واسطهٔ سرقت‌های ادبی به دیگران منسوب می‌شده و در خلال این ماجرا، فروغی اهمیت توجه به نسخ اصیل را مطرح می‌کند:

«دیگر صحبت اشعار و دیوان آقا به میان آمد. مذکور شد که آقا، اشعار ایام جوانی خود را که اقلاً شصت هزار بوده، با نثرهای زیاد همه را تلف کرده‌اند و چیزی در دست نیست، مگر در کرمان و کرمانشاه و نقاط دیگر، آنها هم به دست مردم که البته متشاعرها به اسم خودشان کرده» (فروغی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

برخی افراد از خانوادهٔ فروغی نسخه‌های معتبر کتب معروف را دریافت می‌کردند:

«ملک الخطاطین[هم آنجا آمد]. بعضی قطعه‌ها با کتاب شاهنامه از آقا گرفته، بعد از نهار رفت...» (همان: ۱۵۱)

مکاتبات و صحبت‌های فروغی و قزوینی به کسب اطلاعات ارزشمندی منجر می‌شود:

«از قراری که معلوم می‌شود و میرزا محمدخان می‌گفت، بعضی نسخه‌های شاهنامه در کتابخانهٔ ملی فرانسه و برلن هست که دیباچهٔ نسخهٔ اصل شاهنامه‌ای که برای ابومنصور عبدالرزاق جمع‌آوری شده و فردوسی از آن رو شاهنامهٔ خود را به نظم آورده، در صدر آن درج است و فارسی تقریباً خالص ولی روان و مطبوع می‌باشد و میرزا محمدخان در آن مطالعه و کار می‌کند. البته خیلی چیز خوبی است و شاید نمونهٔ قدیم‌ترین نثر فارسی باشد که در دست است» (فروغی، ۱۳۹۵: ۴۵۲).

۲-۲-۱-۳ جستجو در نسخ مختلف

در باب عنوان لزوم جست‌وجو در نسخه‌ها به دو نکتهٔ اساسی می‌توان اشاره کرد:

نخست، یافتن نسخه‌های مهم و با کیفیت بالا است که پس از جستجوی فراوان در فهرست‌های کتابخانه‌ها و پرس‌وجو از اهالی فن می‌توان به آن دست یافت.

دوم، جست‌وجو در جزئیات نسخه‌ها و توجه به ضبط‌های کهن، اصیل و گاهی متفاوت با سایر نسخه‌ها است. توجه به جزئیات نسخه‌ها و جستجو در حواشی آنها، می‌تواند نکات جدید و گوناگونی را برای مصحح روشن کند. استفاده از نکاتِ فرعی ثبت‌شده در نسخه‌ها، اهمیت فراوانی برای حفظ ظرایف و ویژگی‌های سبکی صاحب اثر برای آیندگان دارد. در آثاری که از فروغی برجای مانده، خواه در نامه‌ها و پاسخ نامه‌هایی که از دیگران دریافت کرده و خواه در جستجوهایی که در کتابخانه‌ها داشته، به جستجوی مداوم در نسخه‌ها اشاره می‌شود. در یکی از نامه‌های محمد قزوینی به فروغی، قزوینی یادآور می‌شود جستجوی نسخه‌ها تا چه اندازه مهم و در عین حال دشوار است:

«مقصود این است که بنده یک آدم معمولی متعارفی هستم که می‌خواهم بیایم به پاریس، یا برای کارکردن در کتابخانهٔ ملی پاریس یا برای برداشتن کتاب‌های خود و رفتن به ایران. و از رجال سیاسی نیستم که آمدن من به فرانس در آن تأملی و خدشه‌ای داشته باشد. اما آمدن بنده به برلین چنانکه در عریضهٔ سابق عرض کردم، اینطور شد که در اواخر ۱۹۱۵ که آقای نوّاب به سمت وزیر مختاری برلین از پاریس حرکت کردند، به من گفتند: تو هم اگر میل داری همراه من بیا و بنده هم چون اوضاع مادی اقامت در پاریس چندان مساعد نبود و یکی– دو نسخهٔ قدیمی ممتاز جهانگشا را که من از روی آنها کار می‌کردم و اساس طبع بود، به واسطهٔ احساس خطر مثل اشیاء نفیسهٔ موزه‌ها و غیره را از پاریس بیرون برده و در جای امنی پنهان کرده بودند و بنده دیگر نمی‌توانستم کار خود را امتداد دهم، پیشنهاد آقای نوّاب را قبول کرده، همراه ایشان به اینجا آمدم» (قزوینی، ۱۴۰۰: ۳۸).

فروغی در یادداشت‌ها گاهی اشارات آسیب‌شناسانه دارد:

«من در طهران دیوان حسینقلی‌خان سلطانی را که به خط خود او تدوین شده بود، دیدم. اما ندانستم آن دیوان چه شد. نگرانی و تأسف در این است که آثار طبع این اشخاص چون در زمان خود ایشان تثبیت نمی‌یابد، ای بسا به دست نااهلان و شعردزدان می‌افتد و از بین رفته یا به اسم دیگران می‌شود و یقین دارم بسیاری از شعرای قدیم و جدید این سرنوشت را داشته‌اند و موجود نبودن آثار طبع رودکی و عنصری و عسجدی و جمع کثیری از شعرا را حمل بر این می‌کنم که قصه‌ای که سعدی در گلستان از شیاد گیسوان‌بافته نقل می‌کند، مؤید این نظر است» (فروغی، ۱۳۹۶: ۱۷).

بخش عمده‌ای از اوقاتِ فروغی در جستجوی آثار و یافتن نسخه‌های ارزشمند می‌گذشته:

«باری از مدرسه بیرون آمده، به حجرهٔ آقا شیخ حسن رفتم. نزدیک غروب معتمدالممالک از پستخانه آمده، قدری کتاب آورد. لغت لاروس و بعضی کتب دیگر بود. کاتالگ یک کتابخانه هم بود. ملاحظه کرده، چند کتاب حکمت و فلسفه انتخاب کردم با آقا شیخ محمد که از فرنگ بخواهیم و با هم بخوانیم. بعد صحبت لغت هفده جلدی لاروس شد» (فروغی، ۱۳۹۷: ۴۲).

فروغی در مورد نسخه‌های تازه‌یاب ، نقد و ارزش‌گذاری را لازم می شمرده:

«پدر یکی از شاگردان یک شاهنامهٔ خطی به مدرسه فرستاده بود. تاریخ آن نهصد و هشتاد و هشت بود، به خط نستعلیق با تصاویر سبک چینی. واقعاً این تصاویر خیلی چیزهای قبیح است. اما کتاب، خوب نسخه‌ای بود. جلد خوبی هم داشت. محقق الدوله گفت: صد و پنجاه تومان می‌فروشد، اگر به کار مطابقه با نسخ دیگر و تصحیح و تکمیل شاهنامه نخورد، نمی‌ارزد» (فروغی، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

در نظر فروغی، جستجو و شناخت آثار، تنها مربوط به نمونه‌های مشهور نبوده، بلکه نمونه‌های متأخری را که شهرت چندانی ندارند هم شامل می‌شده:

«باری بعد از رفتن میرزا سید حسن‌خان، به خانهٔ میرپنج خودمان دیدن رفتم. نزدیک نهار آنجا رسیدم، نهار خوردیم. بعد از نهار رفتم پیش میرپنج، قدری صحبت کردیم. دیوان میرزا ابوالحسن‌خان متخلص به قطره را در نهاوند پیدا کرده، استنساخ کرده بود،

نشان داد. چندان نقلی نداشت. از قراری که حکایت می‌کرد که این شخص در خدمت محمود میرزای پسر فتحعلی شاه بوده» (همان: ۱۳۵)

۲- ۲-۱-٤ استفاده از منابع جانبی

با توجه به آشنایی با دانش روز تصحیح متن در دنیا، امروزه توجه به منابع جانبی و استفاده از آنها در تصحیح هر یک از متون مهم ادبی برای ما امری آشنا تلقی می شود. ولی نباید از این نکته غفلت کرد که توجه به منابع جانبی در تصحیح سنتی ایرانی، جایگاه چندانی نداشته و افراد نوگرایی همچون فروغی و قزوینی در ارتباط با اروپایی‌ها و پس از آگاهی از دانش جدید متن‌شناسی و توجه به اصول مرتبط با دورهٔ آفرینش آثار و سبک‌شناسی، این نکته و اهمیت آن را دریافته و توجه به این مسئله را به متن پژوهان آینده توصیه نمودند.

شناخت منابع جانبی مهم و اثرگذار بر هر یک از آثار ادبی شاخص، اهمیت فراوانی دارد. ازجمله متون مهم ادبی که در نظر داشتن منابع جانبی در تصحیح آن اهمیت دارد، شاهنامه است.

«غروب آمدم حجرهٔ آقا شیخ حسن. یک کتاب فلسفه معتمد الممالک از فرنگ وارد کرده است. کتاب خوبی است. برادرم یکی از آن خریده است. بعضی کتاب‌های دیگر[ی هم آورده] به تماشای آنها پرداختم و یک کتاب لغت و دو کتاب تاریخ برداشته به منزل آوردم که ببینم و تصدیق و تکذیب کنم. کتاب خریدن مرا خانه خراب کرده. کتاب خوب بسیار است و نمی‌توان از آنها دست برداشت. بضاعت هم به قدر کفایت نیست. منزل که آمدم به مطالعهٔ کتاب‌ها مشغول شد[م] و بعد از شام به نوشتن این وقایع پرداختم» (همان: ۱۲۱).

«آخر شب با برادرم گفتگوی ترتیب کتابی مثل مارگو برای مدارس می‌کردیم. نمی‌دانم می‌شود و فرصت می‌کنیم یا نه. به هر حال شروع کردیم» (همان: ۱۴۸)

فروغی همواره در حال جرح و تعدیل نسخه‌ها و آثار با کمک منابع جانبی بوده:

«آمده بود مطالبهٔ مسودهٔ تاریخ ایران بکند. زیرا که تاریخ ایران که من برای شرکت مطبوعات نوشته‌ام، تقریباً تمام شده و می‌خواند دوباره چاپ کنند. از من خواهش کرده‌اند برای چاپ دویم جرح و تعدیلی در آن بدهم. زیرا که خودم اظهار داشته بودم که اگر به چاپ دویم برسد، باید دخل و تصرف در آن بکنم» (همان: ۱۵۲).

جستجوهای نسخه‌شناسانه فروغی دربارهٔ شاهنامه بیش از سایر متون بوده و اثر فردوسی از مهم‌ترین آثار در تاریخ ادبیات فارسی بشمار می‌رود.

«مطلب در اینجاست که معلوم می‌شود: شاهنامه از خیلی قدیم مغشوش و مخلّط شده، زیرا نسخهٔ ظفرنامهٔ حمدالله مستوفی را هم دیدم که متن ظفرنامه و در حاشیه‌اش شاهنامه است و حمدالله در اول کتاب، بعد از تعریف و تمجید زیاد از شاهنامه می‌گوید که: به واسطهٔ سهو کتّاب، شاهنامه، خیلی مبتلا به تخلیط و غلط و ترک و اضافه شده و من شش سال زحمت کشیده، نسخهٔ صحیحی از شاهنامه درست کردم» (فروغی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

۲- ۲-۱-٤ استفاده از منابع جانبی

با توجه به آشنایی با دانش روز تصحیح متن در دنیا، امروزه توجه به منابع جانبی و استفاده از آنها در تصحیح هر یک از متون مهم ادبی برای ما امری آشنا تلقی می شود. ولی نباید از این نکته غفلت کرد که توجه به منابع جانبی در تصحیح سنتی ایرانی، جایگاه چندانی نداشته و افراد نوگرایی همچون فروغی و قزوینی در ارتباط با اروپایی‌ها و پس از آگاهی از دانش جدید متن‌شناسی و توجه

به اصول مرتبط با دورهٔ آفرینش آثار و سبک‌شناسی، این نکته و اهمیت آن را دریافته و توجه به این مسئله را به متن پژوهان آینده توصیه نمودند.

شناخت منابع جانبی مهم و اثرگذار بر هر یک از آثار ادبی شاخص، اهمیت فراوانی دارد. ازجمله متون مهم ادبی که در نظر داشتن منابع جانبی در تصحیح آن اهمیت دارد، شاهنامه است.

«غروب آمدم حجرهٔ آقا شیخ حسن. یک کتاب فلسفه معتمد الممالک از فرنگ وارد کرده است. کتاب خوبی است. برادرم یکی از آن خریده است. بعضی کتاب‌های دیگر[ی هم آورده] به تماشای آنها پرداختم و یک کتاب لغت و دو کتاب تاریخ برداشته به منزل آوردم که ببینم و تصدیق و تکذیب کنم. کتاب خریدن مرا خانه خراب کرده. کتاب خوب بسیار است و نمی‌توان از آنها دست برداشت. بضاعت هم به قدر کفایت نیست. منزل که آمدم به مطالعهٔ کتاب‌ها مشغول شد[م] و بعد از شام به نوشتن این وقایع پرداختم» (همان: ۱۲۱).

«آخر شب با برادرم گفتگوی ترتیب کتابی مثل مارگو برای مدارس می‌کردیم. نمی‌دانم می‌شود و فرصت می‌کنیم یا نه. به هر حال شروع کردیم» (همان: ۱۴۸)

فروغی همواره در حال جرح و تعدیل نسخه‌ها و آثار با کمک منابع جانبی بوده:

«آمده بود مطالبهٔ مسودهٔ تاریخ ایران بکند. زیرا که تاریخ ایران که من برای شرکت مطبوعات نوشته‌ام، تقریباً تمام شده و می‌خواند دوباره چاپ کنند. از من خواهش کرده‌اند برای چاپ دویم جرح و تعدیلی در آن بدهم. زیرا که خودم اظهار داشته بودم که اگر به چاپ دویم برسد، باید دخل و تصرف در آن بکنم» (همان: ۱۵۲).

جستجوهای نسخه‌شناسانه فروغی دربارهٔ شاهنامه بیش از سایر متون بوده و اثر فردوسی از مهم‌ترین آثار در تاریخ ادبیات فارسی بشمار می‌رود.

«مطلب در اینجاست که معلوم می‌شود: شاهنامه از خیلی قدیم مغشوش و مخلّط شده، زیرا نسخهٔ ظفرنامهٔ حمدالله مستوفی را هم دیدم که متن ظفرنامه و در حاشیه‌اش شاهنامه است و حمدالله در اول کتاب، بعد از تعریف و تمجید زیاد از شاهنامه می‌گوید که: به واسطهٔ سهو کتّاب، شاهنامه، خیلی مبتلا به تخلیط و غلط و ترک و اضافه شده و من شش سال زحمت کشیده، نسخهٔ صحیحی از شاهنامه درست کردم» (فروغی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

۲- ۲-۲ مسائل انسانی و وابسته به اخلاق

۲- ۲-۲-۱ همنشینی با علمای فن تصحیح

در دورهٔ فروغی به سبب ارتباطات گستردهٔ بین‌المللی او، دوستی و همراهی وی با افراد آگاه به فن تصحیح متن بسیار بوده‌است. همنشینی با این علما، مکاتبات و مکالماتی که میان فروغی و ایشان در جریان بوده، اطلاعات مفید و به‌روز را در دسترس او قرار می‌داده است.

آشنایی فروغی با علمایی همچون قزوینی و مستشرقانی مانند ادوارد براون، همچنین ارتباطات با مصححان دیگر مانند ژول مول، به‌صورت مستقیم یا با واسطه، موجب آگاهی عمیق از فن تصحیح و موارد مرتبط با آن بوده است.

دربارهٔ ارتباط با ادوارد براون از قول قزوینی در نامهٔ نگاشته‌شده به فروغی اینطور می‌خوانیم:

«اما در باب روابط بنده با ایشان، علت سستی و مسامحهٔ بنده در مکاتبات با ایشان آنست که ایشان در کاغذی که در ماه مه به من نوشته بودند، اظهار کرده بودند که آیا من میل دارم جلد سوم جهانگشای را کما فی السابق به اتمام برسانم؟ و چون سابق به توسط اوقاف گیب–که پرفسور برون رئیس آنست– یک وجه قلیلی که از غایت قلت حتی به سرکار، دوست صمیمی خود، خجالت می‌کشم بگویم چقدر بود، به من می‌رسید» (قزوینی، ۱۴۰۰: ۴۵).

فروغی خود، همواره در جستجوی علما و در پی همنشینی و کسب دانش در محضرشان بوده:

«چون دانستم دکتر رزن معروف آلمانی در انقره و همین هتل منزل دارد، کارت برای او فرستاده، تقاضای ملاقات کردم و رفتم به منزل او و بعد نهار هم با هم خوردیم. گفت: انسان اوقات خوش را فراموش نمی‌کند و بد از یادش می‌رود. من ایام اقامت ایران را فراموش نمی‌کنم و گفت: پدر من فارسی می‌دانست و دفتر اول مثنوی را به آلمانی ترجمه کرده. وقتی من جوان بودم و در ایام تعطیل بیکار به سر می‌بردم، پدرم گفت: بیکار منشین، فارسی یاد بگیر... پرسیدم از شعرای فارسی کدام را بیشتر دوست داری؟ گفت: هرچند ترجیح دادن مشکل است، اما می‌توانم بگویم: حافظ را دوست دارم و هروقت به خواندن دیوان حافظ می‌افتم، دنیا را فراموش می‌کنم» (فروغی، ۱۳۹۶: ۲۵۵).

«چهارشنبه، ۱ خرداد، ۱۴ ربیع الثانی، ۲۲مه

صبح بدیع‌الزمان آمد، در باب دستور زبان فارسی گفتگو کردیم. سر شب نجم‌آبادی آمد...

شنبه، ۴ خرداد، ۱۷ ربیع الثانی، ۲۵ مه،

صبح رفتیم منزل میرزا محمدخان در اشعار سعدی مشاوره کردم. عصر یغمایی آمد، مشغول کار گلستان شدیم...

یکشنبه، ۵ خرداد، ۱۸ ربیع الثانی، ۲۶ مه

صبح رفتم سراغ ساعت‌ساز، نبود. سر شب حکمت آمد و دربارهٔ فردوسی و نظامی صحبت کردیم» (همان: ۵۶۶).

۲-۲-۲-۲ جستجو و پرسشگری از اهل فن

مقتضیات برقراری ارتباط در دوران فروغی موجب می‌شد مکاتبات و نامه‌نگاری‌های علمی در بین دانشمندان و ادب‌پژوهان همچنان رونق داشته‌باشد. پاسخ بسیاری از ابهامات علمی ذکاءالملک و اطلاعاتی که در پی دستیابی به آنها بوده، از طریق پرسش‌هایی که در نامه‌ها و یا ارتباطاتی از این دست مطرح می‌شده، به دستِ او می‌رسیده است. از راه مطرح‌کردن این پرسش‌ها و دریافت پاسخ آنها، فروغی به اطلاعات کمیاب و ارزشمندی دسترسی پیدا می‌کرده و برای تصحیح متون و نگارش مقالاتی مرتبط با این موضوع از آنها بهره می‌برده است. هرچند این مکاتبات در میانهٔ رخدادهایی همچون جنگ جهانی صورت می‌گرفته و طبعاً زمانبر بوده، اطلاعات مفید و ارزنده‌ای در قالب آنها منتقل می‌شده است. این‌گونه پرسشگری و ارتباطات، گاه با مشکلاتی همراه می‌شد:

«با پرفسور براون روابط ما در این سه چهار سال اخیر جنگ به کلی مقطوع شده‌است؛ چون بنده در برلین یعنی پایتخت یک دولت دشمن بودم و امتداد روابط غیرممکن بود. ولی بعد از عقد مهادنه (متارکهٔ سلاح) در ماه مه گذشته، ایشان کاغذی به من نوشتند و من هم در ماه اوت جواب ایشان را بعد از دو- سه ماه نوشتم و جواب ایشان (اگر جوابی خواهند نوشت) هنوز نرسیده است» (قزوینی، ۱۴۰۰: ۴۴).

در میان دوستان فروغی، محمد قزوینی بیش از دیگران با او مکاتبات علمی داشته و در کتابخانه‌های کشورهای اروپایی به درخواست ذکاءالملک به جستجو و کسب اطلاع می‌پردازد:

«درخصوص کتبی که مرقوم فرموده‌بودید، اما آثار البلاد قزوینی مدت‌هاست که به‌کلی epoise (اتمام چاپ، نایاب) است و اگرچه در آلمان چاپ شده است، ولی گیر نمی‌آید مگر به طور اتفاق. این را بعد از رسیدن به بعضی کتابفروش‌های شرقی (یعنی آنهایی که به خرید و فروش کتب متعلقه به شرق مشغولند) سفارش می‌دهم. آن وقت اگر در هرجای اروپا یک نسخه‌ای از آن برای فروش موجود باشد، برای شما پیدا خواهند کرد... تاریخ طبری معلوم است که در لایدن (هلاند) چاپ شده است، در ۱۵ جلد و قیمت آن ۲۵۵ فلورین هلاندی است که با پول حالیّهٔ فرانس بیش از هزار فرانک قیمت آن می‌شود، ولی نسخهٔ آن فراوان است...» (همان: ۶۶)

پرسش دیگر فروغی دربارهٔ اسرارالتوحید بوده که در زمان نگارش نامهٔ زیر، ظاهراً در میان ادبا، با این عنوان چندان شناخته‌شده نبوده:

«اما کتابی که سرکار به اسم اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی‌سعید مرقوم فرموده‌اید از قرار اسم و محلّ طبع که پطرزبورغ است، قطعاً باید همان کتابی باشد که به عنوان حالات و سخنان شیخ ابوسعید فضل‌الله بن ابی‌الخیر المیهنی به توسط ژوکوفسکی، مستشرق معروف روسی، در سنهٔ ۱۸۹۹ در پطرزبورغ به طبع رسیده است، و اگر مقصود این کتاب باشد، این کتاب عربی نیست– چنانکه مرقوم فرموده‌اید– بلکه فارسی است و یکی از مریدان شیخ ابوسعید (متوفی در سنهٔ ۴۴۰) از سخنان و حالات او جمع کرده است و این عنوانی که سرکار برای آن نوشته‌اید در خاطرم نیست که آیا همین‌طور هم در پشت کتاب چاپ شده است یا خیر» (همان: ۶۶).

برخی از مکاتبات هم در باب تهیهٔ کتاب‌های چاپ‌شده در فرنگ صورت می‌گرفته:

«تاریخ طبری هر دو دوره‌اش کاملاً رسید و به آقای علیقلی‌خان گفتم که به حضرت والا خبر بدهند و ایشان هم فرستاد کتاب‌ها را بردند» (همان: ۷۱).

۲-۲-۲-۳ تعهد به تکمیل و انتشار آثار تصحیحی

از جمله رفتارهایی که می‌توان در شمار اخلاقیات علمی فروغی و دوستان او برشمرد، تعهد به تکمیل آثار تصحیحی در بهترین وجه آن است. فروغی و قزوینی در مکاتبات خود، از تلاش‌ها و جستجوهایشان برای تکمیل آثار تصحیحی یاد می‌کنند. ایشان نسبت به پذیرش مسئولیت تصحیح و ارائهٔ متنی منقّح به مخاطبان، تقیّد قابل توجهی داشتند. تا حدی که بسیاری از برنامه‌های زندگی‌شان از جمله اقامت در ایران یا خارج از کشور به این امر بستگی داشت.

«اما در خصوص ماندن پاریس یا رفتن به ایران اگر بنده را مخیّر کنند بین رفتن به ایران الآن، یا ماندن مدت قلیلی برای اتمام جلد سوم جهانگشای، البته میل قلبی بنده به اتمام این جلد ناقص‌ماندهٔ جهانگشاست. چه حیفم می‌آید که زحمت هفت–هشت سالهٔ من به واسطهٔ اخلال یک مدت قلیل دیگر هدر برود. ولی با وجود این چندان تقیّدی به این مسئله ندارم به این معنی که اگر اسباب رفتن ایران فراهم شد (و اسباب ماندن پاریس فراهم نشد)این کار را اصلاً مانع رفتن به ایران نمی‌دانم» (همان: ۳۹).

در مطالعهٔ خاطرات فروغی به روزهایی برمی‌خوریم که مشغلهٔ اصلی ذکاءالملک،، تلاش برای به سرانجام رسانیدن تصحیح‌ها بوده است:

«سه‌شنبه، ۱۳ شهریور، ۲۳ جمادی الاولی، ۴ سپتامبر

مقابلهٔ شاهنامه با مینوی خاتمه یافت» (فروغی، ۱۳۹۶: ۴۰۷).

***

«لغت‌نویسی– حجرهٔ آقا شیخ حسن

آقا بعد از درس اول چون کار نداشتند، رفتند. من درس دویم را هم داشتم دادم و بعد با صدیق حضرت به نوشتن لغت مشغول شدیم. غروب بیرون آمدیم....» (فروغی، ۱۳۹۷: ۸۴).

***

«چاپخانهٔ بلژیکی...

چون تا غروب صدیق حضرت نیامد، بیرون رفتم. میدان توپخانه با صدیق حضرت ملاقات کردم. من و او با میرزا عبدالرزاق خان به چاپخانهٔ بلژیکی رفتیم که ورقهٔ نمونه را تصحیح کنیم. قریب نیم ساعت آنجا بودیم...» (همان: ۹۷).

***

«خواندن مجانی الأدب

خلاصه به از فراغت از تصحیح ورقهٔ نمونه، من و میرزا عبدالرزاق خان آمدیم منزل. به واگن نشستیم. منزل آقا محمدحسین اینجا بود. من به خواندن مجانی‌الأدب مشغول شدم. آقا و آقا محمدحسین مشغول تخته شدند. نصف شب خوابیدیم» (همان: ۹۸).

***

«بعد از درس منتظر صدیق حضرت شدم، نیامد. صفحهٔ اول لغت را که مغشوش بود، پاک‌نویس کردم...» (همان: ۱۰۳).

«مقاله‌نویسی

مقاله‌ای که من دیشب نوشته بودم، آقا پاک‌نویس کردند و امشب متممی هم برای آن نوشتم و مکمّل شد» (همان: ۱۱۹).

***

۲- ۳-٤ مسائل مهارت و نکات به‌روز تصحیح

۲- ۳-٤ -۱ به‌روز بودن اطلاعات در باب نسخ خطی

از جمله مواردی که فروغی در سخنان و نگاشته‌های خود بر آنها تأکید داشته، اهمیت آگاهی از اطلاعات به‌روز در باب نسخه‌شناسی و تصحیح متن است.

توجه به نسخه‌های تازه‌یاب، اطلاعاتِ جدیدِ دربارهٔ منابع جانبی، تصحیح‌ها و فعالیت‌های علمی روز و منابع مرتبط با متون موردنظر، از مصداق‌های به‌روز بودن اطلاعات تلقی می‌شود. آگاهی از یافته‌های جدید، موجب می‌شود، در فرآیند تصحیح متن به نتیجهٔ دقیق و معتبری دست یابند.

جستجوگری در کتابخانه‌های داخلی و خارجی از جمله علایق فروغی بوده است. این متن‌پژوه معاصر، تا حدّ امکان، خود به این امر مشغول می‌شده و در زمان اشتغال به شغل‌های دولتی، دوستان را به جستجوی کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های صاحب‌نام کشورهای خارجی می‌فرستاده است. از جمله افرادی که در این حوزه با فروغی همراهی می‌کرده و نمایندهٔ او در جستجوهای خارج از کشور بوده، می‌توان محمد قزوینی را نام برد. قزوینی در بسیاری مواضع از نامه‌های خود، ضمن تشکر از حمایت‌های فروغی از جستجوهایی که به توصیه و درخواست او در زمینه شناسایی نسخه‌های تازه‌یاب انجام داده، سخن گفته است. این اشارات و تحلیل نسخه‌ها، در قالب نامهٔ شمارهٔ «۹» در کتاب نامه‌های قزوینی به محمدعلی فروغی و عباس اقبال آشتیانی (قزوینی، ۱۴۰۰: ۸۶) در ۱۵ صفحه، به تمامی ذکر شده که آغاز آن به شرح زیر است (متن کامل نامه در این کتاب موجود است):

«قربانت شوم، مرقومهٔ سرکار مورّخهٔ دی در ۱۹ ژانویه به دست من رسید و فردای همان روز به کتابخانهٔ ملّی پاریس رفته، سه نسخهٔ گلستانی را که خواهش فرموده بودید بنده ملاحظه بکنم، یعنی گلستان suppl. Pers. 869 (فهرست بلوشه، ج ۳ نمرهٔ ۱۴۰۰) و گلستان کلیات suppl. Person 816 (بلوشه، ۳: ۱۳۸۲)، و کلیات suppl. Pers. 1796 (بلوشه، ۳: ۱۳۸۱) هر سه را به دقت ملاحظه کردم و دو روز متوالی صرف این کار کردم و نتیجهٔ اجمالی ملاحظات خود را ذیلاً به عرض خواهم رساند...» (همان)

در رفت و آمدها و گفتگوهای فروغی ردپایی از جستجوهای نسخه‌شناسی می‌توان یافت:

«پس پرفسور براون اصرار کرد که فردا نهار هم بمانم. قبول کردم. خیلی مهربانی کرد. صحبت زیاد کردیم، علمی و غیرعلمی. مسئلهٔ فردوسی و اشتباهی که برای نلدکه از اشعار پشت شاهنامه دست داده، به او گفتم و یادداشت کرد و خیلی از نلدکه تعریف کرد و معلوم شد هنوز زنده اما خیلی افسرده است» (فروغی، ۱۳۹۵: ۲۲۴).

نکات فروغی دربارهٔ شناخت نسخه‌ها و روشی که برای سنجش ارزش آنها بیان می‌کند، تا امروز برای پژوهشگران قابل استفاده هستند:

«نسخهٔ شاهنامهٔ مهل را که مشتمل بر اشعار مخصوصه است، دیدم و یقین کردم که هیچ اعتباری به صحت آن نسخه نیست. این نسخه در هشتصد و چهل و یک نوشته و چنین مستفاد می‌شود که از روی نسخهٔ دیگری استنساخ شده که آن در هفتصد و هفتاد و نُه نوشته شده بود. تاریخ این نسخه به‌طور تاریخ معمولی و نثر است...و سستی اشعار و کلیهٔ قرائن مرا بر آن می‌دارد که بگویم این نسخه هم مثل اکثر نسخ دیگر مغشوش و مخلّط است. سنهٔ سیصد و هشتاد و نُه که آلمانی (مقصود نلدکه) را به اشتباه انداخته صریح است، لیکن گمان می‌کنم در استنساخ به غلط نوشته شده باشد...» (همان: ۲۳۶)

«حیف که مجال نبود مطالعهٔ کامل بکنم و ببینم چقدر با نسخ دیگر تفاوت دارد و همین‌قدر حس کردم که باید بالنسبه صحیح‌تر باشد. عجب اینکه با اینکه حمدالله می‌گوید: شاهنامه شصت‌هزار بیت بوده و نسخ موجوده تمام نیست، همین نسخهٔ کتاب خودش تقریباً چهل و پنج هزار بیت است. حیف است که این ظفرنامه چاپ نشده» (همان: ۲۳۷).

۲- ۳-٤ -۲ لزوم نقد آثار و نظرات بزرگان

از جمله نکاتی که می‌توان جزو اخلاق حرفه‌ای فروغی به شمار آورد، نپذیرفتن بی‌قید و شرط نظرات دانشمندان بزرگ و نگاه نقادانه به گفته‌های ایشان است. در روش تصحیح فروغی، شهرت صاحب‌نظران موجب تأیید تام و تمام آثار و دیدگاه آنان نمی‌شد. این رفتار به اندازه‌ای برای ذکاءالملک اهمیت و جذابیت داشت که در یادداشت‌های روزانه‌اش از نامه‌ای مرتبط با این موضوع یاد می‌کند. در این نامه، نظر فروغی دربارهٔ یکی از ادبا به چالش کشیده می‌شود:

«جناب ذکاءالملک–ان شا الله احوال شما خوب است. با این که من عشق تمامی به تحریرات جناب شما دارم و روزنامهٔ مقدسهٔ تربیت را یک نمره ردّ نمی‌دهم و فقط درین مملکت همین روزنامه را قابل توجه می‌دانم، اتفاقاً یکی از نمره‌هایی را که اشاره از من کرده بودید، غفلت کرده و نخوانده بودم...تعریفی از من بود و مرا به صفت متصف و ستوده بودید. الحق خجالت کشیدم. به علت این که خود[را] قابل این تمجید ندیدم و اگر من تعریفی و تمجیدی از جنابعالی کرده‌ام، شهد الله از روی انصاف و حقیقت بوده. تا به حال تملق و اغراق نگفته و نخواهم گفت» (فروغی، ۱۳۹۷: ۲۲).

فروغی، خود از انتقاد این فرد و نپذیرفتن تمجید دربارهٔ خودش اظهار تعجب می‌کند و آن را رفتاری بی‌سابقه در میان ایرانیان می‌شمارد:

«الحق از یک شاهزادهٔ ایرانی این قِسم چیز نوشتن و رفتار تازگی دارد و شایستهٔ شاهزادهٔ فرنگی است. از خط و سبک انشا و مسامحه‌هایی که در بعضی جاهای آن هست، معلوم است که خط خود شاهزاده است» (همان: ۲۲)

گفتگوهای علمی فروغی گاه دربارهٔ مباحث رایج روز میان ادبا بوده است:

«نیز گفتگوی خط و اصلاح خطّ فارسی به میان آمد. گفتم تغییر دادن خط فارسی کار صحیحی نیست. بهتر آن است که گذاشتن اِعراب کم کم معمول شود و چون چاپ حروف عن‌قریب شایع خواهد شد، کتب چاپ حروف را معرب چاپ کنند و اِعراب را با حروف ملازم نمایند» (همان: ۳۰)

ذکاءالملک به دور از تعارفات مرسوم، به طرح نظرات علمی خود دربارهٔ بزرگان و دیدگاه آنها دست می‌زند:

«ادیب‌الممالک از طایفهٔ قائم مقام است و مثل همهٔ اعضای این طایفه خُل است. روزنامهٔ ادب را او می‌نویسد و چیز پوچی است. بی‌سواد و کمال نیست. شعر هم می‌گوید. اما دیوانه است... امروز به آقا گفته بود: مولانا جلال الدین رومی، خموش تخلص داشته. صحّت و سقم این حرف را نمی‌دانم» (همان: ۷۰)

پدر فروغی هم مانند او در نقد شعر و آثار ادبی به نکات دقیقی اشاره می‌کرده:

«امروز بالنّسبه منزل جمعیت شده بود. خان‌نعمت هم آمده بود. عصر آقا به دیدن نظام‌السلطنه رفته بودند. غالباً با نظام السلطنه صحبت نظم و نثر است. امروز ذکر شاعری ملای رومی شده بود. آقا گفته بودند ملا در شاعری چنان است که کلام در دست او مثل آهن است در دست داود و مثل استاد صنعتگری است که شیء را با هر مصالحی که بنا شود، می‌سازد، چه از چدن، چه از چوب، چه از پشم. او مصنوع خود را به همان استحکام که باید می‌سازد، ملا هم بالنسبه [در] الفاظ و عبارات و اصطلاحات، همین حال را دارد» (همان: ۱۰۱)

فروغی علاوه بر انتقاد و ریزبینی در مورد آثار ادبا، در صورتی که اثری را شایستهٔ تقدیر می‌دیده، از نگارندهٔ آن به سبب دقت در تدوین اثر علمی تشکر می‌کرد و این خدمت علمی را مکتوب می‌کرده است. وی در یکی از نامه‌های خود به ادوارد براون، از دقت او در تألیفات و تلاش برای خدمت به ادبیات ایران، تشکر می‌کند:

«و امّا شخص بنده، دیریست که به واسطهٔ ملاحظهٔ کتب فارسی که به سعی و اهتمام جناب مستطاب عالی در فرهنگستان تصحیح و طبع می‌شود و مطالعات انیقه که به زبان انگلیسی دربارهٔ احوال و تاریخ ادبیات ایران فرموده و می‌فرمایید، غایبانه ارادتمند و اخلاص‌کیش آن جناب بوده و چندی قبل... شرحی در تعرفهٔ آن کتاب و تذکار مساعی جمیلهٔ آن جناب در روزنامهٔ استقلال ایران درج کرده‌ام که شاید به نظر مبارک رسیده باشد... در مراتب بی‌غرضی و بی‌طرفی و خیرخواهی و بصیرت و آگاهی آن جناب جای هیچ‌گونه شکّ و ریب نیست و بنابراین، کلماتتان اثر مخصوص خواهئاشت، چنانکه مندرجات همان رقیمه هم کمال تأثیر را در اذهان نموه است» (فروغی، ۱۴۰۱ب: ۶۳).

۳– نتیجه‌گیری

در زمینهٔ پیشرفت و به‌روز شدن فن و دانش تصحیح متن در ایران، عوامل متعددی نقش داشته‌اند. از جمله این عوامل، ارتباط با اروپاییان و بهره‌مندی از نسخه‌هایی است که در کشورهای خارجی نگه‌داری می‌شدند.

از سردمداران ترکیب شیوه‌های سنتی تصحیح با روش‌های مدرن و اروپایی این فن، محمدعلی فروغی بوده است. فروغی به‌سبب ارتباط و همنشینی با اروپاییان همچنین آشنایی با ظرایف گردآوری نسخه‌های مختلف و بهره‌مندی از منابع جانبی، توانست شیوه‌ای جدید و ترکیبی را در تصحیح متن ایجاد کند.

جزئیات میراث تصحیح و تحقیق متن فروغی، علاوه‌بر مقدمهٔ کتاب‌های تصحیحی، به صورتی متفاوت و در پیوند با سبک زندگی او، در یادداشت‌های روزانه، خاطرات و نامه‌هایش ثبت شده است. به‌عنوان اصول مهم روش فروغی در تصحیح متن، می‌توان به ارتباط داشتن با اروپاییان متخصص در این فن، استفاده از منابع جانبی و نسخه‌های اصیل، بهره‌مندی از دانش شناخت نسخه‌ها، استفاده از نسخه‌های برتر و در مقابل، عدم استفاده از نسخه‌های کم اعتبار اشاره کرد.

فروغی همچنین از اصولی مانند سبک‌شناسی و دانش‌هایی مانند تاریخ، جغرافیا و تاریخ ادبیات، برای گزینش ضبط‌های برتر در تصحیح آثار بهره برده است. میراث فروغی را می‌توان روشی از زندگی دانست که با جستجو و پرسشگری مداوم گره خورده و آن را تلفیقی از سنت و مدرنیته در نگارش آثار و تصحیح متون قلمداد کرد. روشی که به سبب دارابودن پشتوانهٔ علمی و دقیق، امکان بهره‌مندی از آن تا امروز هم فراهم است.

نکات مهم و اثرگذار در تصحیح متن از نگاه فروغی

اصلی	فرعی ۱	فرعی ۲	فرعی ۳	فرعی ۴
مسائل وابسته به متن و تاریخ	توجه به امهات متون ادبی	گزینش نسخ اصیل	جستجو در نسخ مختلف	استفاده از منابع جانبی
مسائل انسانی و وابسته به اخلاق	همنشینی با علمای فنّ تصحیح	جستجو و پرسشگری از اهل فن	تعهد به تکمیل و انتشار آثار تصحیحی	
مسائل مهارت و نکات به‌روز تصحیح	به‌روز بودن اطلاعات دربارهٔ نسخ خطی	نقد آثار و نظرات بزرگان		

منابع

حسن‌لی، کاووس، (۱۳۸۸)، «کاری نیمه‌تمام از مردی تمام (غزل‌های سعدی، تصحیح [بدون] توضیح دکتر غلامحسین یوسفی)»، *ارج‌نامهٔ غلامحسین یوسفی: زندگی، آثار، جستارهای متن‌پژوهی*، به کوشش: محمدجعفر یاحقی، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب. صص ۲۷۷– ۲۸۷.

فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۱)، *اصول ثروت ملل یعنی اکونومی پلیتیک* پل بیرگارد، ترجمه و تألیف محمدعلی فروغی، با مقدمهٔ یدالله دادگر و تصحیح و تحشیه: فرهاد نوع پرست، تهران: آماره.

فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، *حقوق اساسی، آداب مشروطیت دُوَل*، گردآوری علی اصغر حقدار، تهران: کویر.

فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۶)، *خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰*، به کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، تهران: سخن.

فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۰)، *سیاست نامه ذکاءالملک: مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی*، به کوشش ایرج افشار و هرمز همایون‌پور، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.

فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۱)، *نامه‌های محمدعلی فروغی*، به کوشش: محمد افشین‌وفایی و مهدی فیروزیان حاجی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۷)، *یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی(۲۶ شوال ۱۳۲۱–۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ قمری)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، *یادداشت‌های روزانهٔ محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸–اوت ۱۹۲۰*، به کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، چاپ دوم، تهران: سخن.

قزوینی، محمد، (۱۴۰۰)، *نامه‌های محمد قزوینی به محمدعلی فروغی و عباس اقبال آشتیانی (به انضمام نامهٔ فروغی به قزوینی در باب تألیف تاریخی برای ایران)*، مقدمهٔ: احمد مهدوی دامغانی، به کوشش ایرج افشار و نادر مطلّبی کاشانی، چاپ دوم، تهران: طهوری.